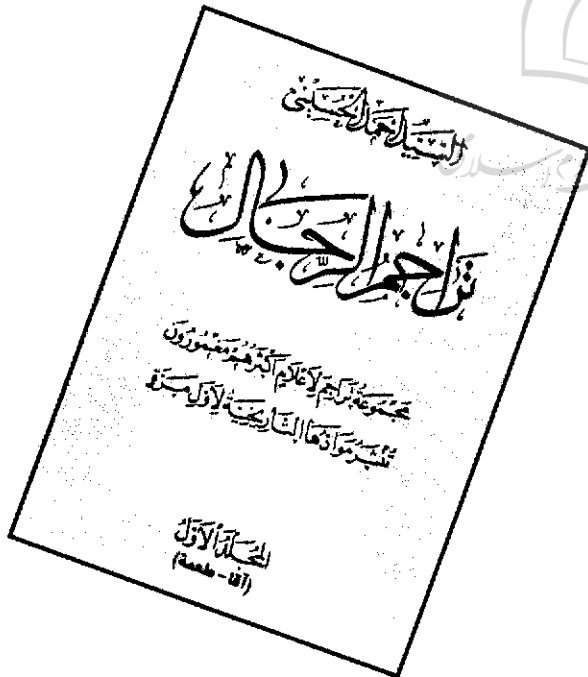


تأملی کوتاه در «تراجم الرجال»

رحیم قاسمی



تراجم الرجال، ج ۱، السید احمد الحسینی، دلیل ما، ۱۴۲۲ھ، ۴۷۱ص، ویزی.

کتاب تراجم الرجال که سومین چاپ آن به عنوان اولین شماره از «تراث العلامة المحقق الحسینی» به تازگی در چهار جلد در اختیار محققان قرار گرفته، مجموعه ای نفیس است که نام و یاد بسیاری از فرزندان از یاد رفته را زنده کرده و گوشه ای از تلاش های علمی آنان را نمایانده است. مطالب کتاب برگرفته از زوایای مخطوطاتی است که مؤلف در اثنای سیر درازمدت خویش در عالم مخطوطات به آنها دست یافته است.

شرح حال برخی از اعلام قرن حاضر نیز به مناسبت حقوقی که بر مؤلف داشته اند و یا آثار علمی و دینی و اعمال بارزی که پاسداشت آن حقوق و خدمات را ضروری می ساخته، در خلال این مجموعه جای داده شده است.

ارزش علمی کتاب بر کسی پوشیده نیست و خود بهترین معرفت خویش است. از این رو نیازی به بازگویی مزایای آن، نمی بینیم.

از آنجا که مؤلف محترم، تصریح نموده است که در پی تکمیل این اثر و رفع نقایص آن می باشد، منش علمی استاد ارجمند حسینی اشکوری را ارج نهاده، پیشنهادات و ملاحظاتی چند، جهت کارآمدتر شدن کتاب ارائه می نمایم.

آنچه در پی می آید، ارائه معلوماتی بیشتر و معرفی منابعی دیگر درباره افرادی است که اطلاعات ذکر شده در کتاب، غبار گمنامی از چهره آنان نزوده و نیز اشاره به برخی سهوها است که به کتاب راه یافته است.

الف. اولین نقیصه ای که در سراسر کتاب به چشم می خورد، مستند نبودن آن است. مؤلف محترم جز درباره معاصرین که مشاهدات خود را به قلم آورده است، مأخذ هیچ یک از مطالب را ذکر نکرده است.

هر چند جلالت قدر مؤلف محترم و دقت نظر ایشان جای تردیدی در اعتبار مطالب نقل شده، باقی نمی گذارد؛ ولی نشان ندادن جایگاه منقولات، محققین را از دسترسی به اصل مطالب و جستجوی بیشتر محروم کرده که این خود نقیصه ای بزرگ برای کتاب است.

ب. نکته مهم دیگر این که رقم قابل توجهی از اسامی یاد

شده در کتاب که جزء «اعلام اکثرهم مغمورون» و یا «علماء أهمل اکثرهم التاريخ ولم یسجل تاریخ حیاتهم فی کتب الرجال» قلمداد شده اند، از مشاهیر علمی شیعه می باشند و چنانچه تطبیقی بین اسامی یاد شده و کتب مختلف تراجم صورت گیرد، مجموعه حاضر خصوصیت دیگری به خود گرفته، پربارتر و کارآمدتر می شود.

گفتنی است که در مواردی این تطبیق، با طبقات اعلام الشیعه و چند کتاب دیگر، انجام شده که چنانچه خواهد آمد، چندان نیز دقیق و کارگشا نمی باشد.

ج. نقیصه دیگر کتاب، تکرار عناوین و متعدد پنداشتن شخصیت های واحد است و در مواردی نیز یکی دانستن دو شخصیت متفاوت که به آن اشاره خواهد شد.

د. مشخص نکردن تاریخ دقیق حیات بسیاری از اشخاص با وجود ثبت تاریخ تولد و وفات آنان در منابع مربوطه، از دیگر نقایص کتاب است.

برخی از موارد یاد شده که در نگاهی گذرا به چشم نگارنده آمد، بدین قرار است:

۱. ج ۱، ص ۱۶۲: «ملا اسماعیل واحد العین (ق ۱۲-۱۲۷۷) ... مترجم فی «الکرام البررة» ص ۱۴۰ و نقول ... له غیر ما هو مذکور فی ترجمته «وحدة الوجود» و «جبل قاف» و «نوم الملائكة» و کلمات فارسیه.»

سال فوت مرحوم واحد العین که ظاهراً از «الکرام البررة» نقل شده، قطعاً اشتباه است و سال ها پیش مرحوم علامه همایی با تحقیقی عمیق، سال فوت آن حکیم الهی را استظهاراً سال ۱۲۴۳ هـ دانست. ۱ اخیراً نیز جناب صدرایی خوبی به نقل از نسخه شرح دعای صباح موجود در کتابخانه مجلس، آن را محرم الحرام سنه ۱۲۴۲ هـ در گیلان یافته اند. ۲

و اما سه رساله نامبرده که مؤلف به ملا اسماعیل واحد العین نسبت داده، هیچ یک از او نیست، و هر سه از تألیفات علامه محقق ملا اسماعیل خواجهی مازندرانی (م ۱۱۷۳ هـ) است.

۲. ج ۱، ص ۲۲۴: «السید حبیب الله الهاشمی (....-ق ۱۳) ... من اساتذته السید حسین الحسینی ... لم یصرح باسم ابيه ... و نظن أنه محمد. له تقریرات السید حسین الحسینی» شخصیت مورد اشاره، آیه الله میرزا حبیب الله خوبی، شارح معروف نهج البلاغه به نام منهج البراعه می باشد که در ۱۴ جلد به چاپ رسیده و استاد علامه حسن زاده آملی و مرحوم شیخ محمدباقر کمره ای، آن را تکمیل کرده اند.

وی- چنانچه در مقدمه شرح فوق آمده- علامه مؤید مسدّد متبحر ادیب حاج میر حبیب الله بن سید محمد ملقب به

امین الرعايا بن سید هاشم خوبی، متوفای سال ۱۳۲۴ هـ است. استاد مورد اشاره وی نیز فقیه محقق شهیر آیه الله سید حسین کوهکمری است.

۳. ج ۱، ص ۲۳۰: «میرزا حسن الاصبهانی (ق ۱۳- بعد ۱۳۲۳) مترجم فی نقباء البشر» فوت این عالم جلیل در نقباء به سال ۱۳۲۰ ذکر شده که صحیح نیست. مرحوم علامه گزی می نویسد: «هذه السنة (۱۳۲۴) آقا میرزا حسن میرزا ابراهیم (عراقی) مرحوم شد؛ عالمی غیور در نهی از منکر و رفع ظلم و در اشتغال به تدریس و امور شرعیه و طریقه زهد و تقوی ممتاز ...» و مرحوم استاد مهدوی در پاورقی آورده: وفاتش در سال ۱۳۲۳ هـ بوده و ۲۴ غلط است. ۳

۴. ج ۱، ص ۲۷۴: «السید حسین الموسوی (ق ۱۲- ۱۲) حسین بن ابی القاسم الموسوی یروی عن مولانا محمد صادق بن محمد بن عبدالفتاح التنکابنی.»

وی فقیه نامدار سید حسین خوانساری، فرزند علامه میر سید ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری (معروف به میرکبیر، مؤلف مناهج المعارف) متوفای رجب سال ۱۱۹۱ هـ است. ۴

خود مؤلف در جلد سوم کتاب، صفحه ۲۸۰ در ذیل شاگردان مولی محمد صادق تنکابنی آورده است: «یروی عنه السید حسین بن ابی القاسم الموسوی الخوانساری ...»

۵. ج ۱، ص ۴۲۳: «الشیخ ضیاء الدین الدری (ق ۱۴- ۱۴) ...

من اساتذته ملا محمد الکاشانی و میرزا محمد حسن الکاشانی و جهانگیر خان القشقانی. له محاضرات البلاء». وی حکیم نامی آقا ضیاء الدین درّی (۱۲۹۳-۱۳۷۵) است که شرح حال و نام سی جلد از آثار وی را مرحوم مهدوی در کتاب خود آورده است. ۵ در بین اساتید وی که خود نام برده است، کسی به نام میرزا محمد حسن کاشانی به چشم نمی خورد. بلکه وی «از محضر رئیس الحکماء و المتألهین و نخبه الاساتید و المدققین مرحوم مغفور آقا میرزا حسن کرمانشاهی اعلی الله مقامه» استفاده کرده است. ۶

۶. ج ۲، ص ۴۱: «عبدالرحیم بن محمد یونس الدماوندی ... من تلامذة المولی محمد صادق الاردکانی الذی توفی سنة ۱۱۳۴ ... له شرح حدیث صورته هارئة عن المواد».

استاد یاد شده، حکیم متأله شهیر مولی محمد صادق

۱. استاد جلال الدین همایی، مقالات ادبی، ص ۴۳۶.

۲. آشنای حق، ص ۲۸.

۳. تذکرة القیور، گزی، ص ۹۸.

۴. ر. ک: مقدمه مناهج المعارف، سید احمد روضانی.

۵. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۹۲.

۶. تاریخ حکما و عرفا، صدوقی سها، ص ۷۴.

سیادت برای مؤلف، معلوم می شود که وی، غیر از سید عبدالغفار حسینی است و مشرب وی نیز عرفانی و مغایر با مشرب سید نامبرده است که از اجلة فقها بوده است.

نکته دیگر این که همه کسانی که جواهر المعارف را به سید عبدالغفار تویسرکانی اصفهانی نسبت داده اند، بر اثر تشابه اسمی دچار اشتباه گردیده اند و جواهر المعارف که کتابی عرفانی است، از همان عبدالغفار تویسرکانی مؤلف احیاء القلوب است که یکسال پس از فوت همنام فقیه وی تألیف شده است.^{۱۰} مرحوم استاد محمدتقی دانش پژوه نیز در فهرست کتابخانه مرکزی، مؤلف روح الایمان را سید عبدالغفار حسینی ذکر کرده، در حالی که در عباراتی که از مقدمه کتاب نقل نموده، چنین آمده است:

«این گنه کار عبدالغفار تویسرکانی...»^{۱۱} که دلالتی بر سیادت مؤلف ندارد.

۸. ج ۲، ص ۳۴۷: «السید محمد قطب الدین (ق ۱۲-ق ۱۲)... ادیب شاعر بالفارسیه... له شرح دعاء الصباح و ترجمه و نظم دعاء الصباح توفی بعد سنة ۱۱۵۹هـ».

و ج ۲، ص ۳۵۶: «قطب الدین محمد الشیرازی (ق ۱۲-ق ۱۲) محمد بن ابی طالب الحسینی الصفوی الشیرازی، قطب الدین، ادیب شاعر... يتخلص فی شعره بقطب و قطب الدین... ادیب شاعر نامبرده، عارف شهیر ذهی، سید قطب الدین محمد حسینی نیریزی (م ۱۱۷۳هـ) است. مرحوم علامه معلم حبیب آبادی، پس از ذکر نسب این عارف جلیل می نویسد: «از عرفای بزرگوار و اهل علم و ادب و سیر و سلوک و ریاضت و تهذیب نفس و ارشاد و هدایت بوده و با این وصف در علوم ادبیت و عربیت یدی طولی داشته و چندین کتاب تألیف نموده و به عربی و فارسی شعر هم می گفته و تخلص قطب می نموده.» با وجود تجلیل علامه معلم که از اساتید مسلم ادبیات عرب بوده اند، از مقام ادبی مترجم، مؤلف درباره او می نویسد: «ضعیف فی الشعر العربی»!

۹. ج ۳، ص ۷۴: «الشیخ محمدباقر الکرمانی (ق ۱۳-بعد ۱۳۶۵) محمدباقر بن رضا زند السیرجانی الکرمانی الاصبهانی. مذکور فی نقباء البشر، ص ۱۸۷».

متأسفانه در عنوان فوق، مؤلف دو تن از علمای همنام را

اردستانی است، نه اردکانی. این تصحیف در ص ۲۷۲، جلد ۳ نیز صورت گرفته و در آنجا عنوانی به نام «المولی محمدصادق الاردکانی» ذکر شده و از شاگردی مولی عبدالرحیم دماوندی نزد وی یاد شده است. عبارت حدیثی که دماوندی شرح کرده «صور عاریة عن المواد» است که در کتاب غررالحکم آمدی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است.^۷

در صفحه ۲۸۹، جلد ۳ نیز شرح حدیث مزبور از سید محمدصالح خلخالی، به همان صورت محرف «صورت» به جای «صور» آمده و نیز در جلد ۱، صفحه ۲۶۱.

۷. ج ۲، ص ۷۷: «میرزا عبدالغفار التویسرکانی (ق ۱۲-بعد ۱۳۲۰)... والظاهر انه غیر السید عبدالغفار الحسینی التویسرکانی المترجم فی نقباء البشر، ص ۱۱۴۷. له احیاء القلوب». و همان جلد، ص ۸۰: «السید عبدالغفار التویسرکانی (ق ۱۳-۱۳۱۹) مترجم فی نقباء البشر، ص ۱۱۴۷، له غیر ما هو مذکور فی ترجمته... احیاء القلوب ارتخت وفاته فی المصدر السابق بسنة ۱۳۱۹ و لكن ارتخ تمام كتابه روح الایمان بسنة ۱۳۲۰». چنانکه مشاهده می شود، مؤلف هر دو شخصیت را به عنوان مؤلف «احیاء القلوب» ذکر کرده و در عین حال یکبار وی را همان شخص مترجم در نقباء دانسته و یکبار او را غیر از سید عبدالغفار مترجم در نقباء می داند! و در مورد دوم در عین حال که تصریح به حیات وی در سال ۱۳۲۰ نموده، در عنوان ذکر شده، وی را متوفای ۱۳۱۹ می داند!

حقیقت این است که سید عبدالغفار حسینی تویسرکانی مترجم، در نقباء البشر غیر از مؤلف احیاء القلوب است؛ چرا که وی که «محقق جلیل و مجتهدی بارع» بوده، به تصریح کتب تراجم در ۲۲ ربیع الثانی سال ۱۳۱۹ وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص به نام خود، مدفون گردیده.^۸ مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی در فهرس مکتبه امیرالمؤمنین (ع) آورده:

«احیاء القلوب فی الاخلاق والعرفان، تألیف عبدالغفار التویسرکانی فرغ منها ۲۵ شعبان سنه ۱۳۲۰ وله جواهر المعارف و کتاب برهان الدین کلها عرفانیة. یظهر من مشار فی فهرس المؤلفین ان کتابه الاخیر مطبوع.»^۹ با توجه به سال فراغت از تألیف احیاء القلوب و عدم ذکر

۷. شرح غرر و در آمدی، ج ۴، ص ۲۱۸.

۸. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱۵.

۹. فهرس مکتبه امیرالمؤمنین (ع)، نسخه عکسی، ص ۱۷.

۱۰. نقباء البشر، ص ۱۱۴۷ و دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱۵.

۱۱. فهرس نسخه های خطی، ج ۱۶، ص ۷۱۶.



یکی پنداشته اند. محمدباقر سیرجانی کرمانی مذکور در صفحه ۱۸۷ نقباء البشر، کسی جز عالم فرزانه آیه الله شیخ محمدباقر زند کرمانی است. مؤلف، شیخ محمدباقر سیرجانی را در صفحه ۸۶، همین جلد، تحت عنوان «الشیخ محمدباقر الیزدی» ذکر کرده است. اما مرحوم زند کرمانی از علمای برجسته و کم نظیر دوره اخیر در اصفهان و از شاگردان مبرز مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بوده است. شرح حال و خدمات فرهنگی و اجتماعی ایشان به ضمیمه دو شرح حال خودنوشت و اسناد و تصاویر ارزشمند تحت عنوان «فطرت بیدار زمان» تدوین و اخیراً به چاپ رسیده.

۱۰. ج ۳، ص ۹۲: «محمدباقر بن محمدجعفر الشیخی البهاری الهمدانی (ق ۱۳۱۹-۱۳۱۹) مذکور فی نقباء البشر، ص ۲۰۰...» و همین جلد، ص ۹۱: «آقا محمدباقر الاصفهانی». مؤلف در اینجا نیز دچار دو سهو گشته و دو شخصیت همنام را یکی پنداشته، و علاوه بر آن، شخص واحدی را دوبار عنوان کرده است. مرحوم آیه الله شیخ محمدباقر بن جعفر بهاری همدانی، عالم معروف (متوفای سال ۱۳۳۳) که در صفحه ۲۰۱ نقباء البشر یاد شده، غیر از عالم شیخی معروف محمدباقر بن محمدجعفر همدانی قهی متوفای ۱۳۱۹ هـ است که نامش در صفحه ۲۰۰ نقباء آمده است.

مؤلف در ذیل عنوان میرزا محمدباقر بهاری، علاوه بر اضافه نمودن کلمه شیخی، سال فوت و شرح حال شیخ محمدباقر شیخی همدانی را آورده و بین دو عالم «شیعی» و «شیخی» خلط نموده است. از طرف دیگر چون شرح حال محمدباقر شیخی هم در نقباء البشر، ص ۲۰۰، تحت عنوان الشیخ المیرزا محمدباقر الهمدانی م ۱۳۱۹ ذکر شده و هم در الکرام البرره ص ۱۷۶ تحت عنوان الشیخ الآغا محمدباقر الاصفهانی (بعد ۱۲۸۱) با عبارت «هو الشیخ الآغا محمدباقر بن محمدجعفر القهی الاصفهانی»، مؤلف نیز در صفحه ۹۱ شرح حال او را تحت عنوان «آقا محمدباقر الاصفهانی» آورده و به صفحه ۱۷۶ الکرام البرره، ارجاع داده و در صفحه بعد دوباره او را با تعبیر مصحّف یاد شده، ضبط نموده است.

شرح حال مفصل مرحوم بهاری همدانی در مقدمه کتاب القضاء والشهادات ایشان به چاپ رسیده و شرح حال میرزا محمدباقر قهی اصفهانی همدانی از رؤسای علمای شیخیه، در کتاب «خاندان شیخ الاسلام» مرحوم مهدوی به مناسبت ارتباط نسبی وی با مرحوم محقق سبزواری آمده است.

۱۱. ج ۳، ص ۳۵۵: «محمدکاظم رحمت (۱۲۰۶- بعد ۱۲۶۸)، صاحب نظم المصائب»، و همان جلد، ص ۳۶۳: «ملا محمدکاظم

رحمت الیزدی (۱۲۰۵-ق ۱۳) صاحب عقد الثریا والسبع المثانی...» و همان جلد، ص ۳۵۸: «مولانا محمدکاظم (ق ۱۳-ق ۱۳) محمدکاظم بن الحاج صادق... له «عقد الثریا» و «السبع المثانی». بسیار جای تعجب است که فرد واحدی، سه بار معرفی شود و هر سه بار نیز به گونه ای ناقص.

در فهرست نسخ خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، مجموعه ای از سروده های محمدکاظم بن حاج محمدصادق بن حاج محمدرضا اصفهانی متخلص به «رحمت» شامل ۲۲ رساله به خط ناظم معرفی شده که از جمله رسائل یاد شده «نظم المصائب» و «عقد الثریا» و «سبع المثانی» است و با توجه به تاریخ نظم یکی از رسائل که در سن ۱۹ سالگی سروده، معلوم می شود که سال ۱۲۰۶ سال تولد شاعر است.^{۱۲}

مرحوم استاد مهدوی در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، به نقل از صاحب الذریعه، وی را مولی محمدکاظم کاشانی ابن محمد صادق اصفهانی، ضبط و معرفی نموده است.^{۱۳}

۱۲. ج ۱، ص ۴۰۹: «آقا صادق اطوار الکرمانی (ق ۱۳- بعد ۱۳۱۱) صادق بن علی الخراسانی الکرمانی اطوار...» و ج ۳، ص ۲۷۴: «محمدصادق الخراسانی (ق ۱۳-ق ۱۴) والظاهر انه يتخلص فی شعره باطوار...» و همان جلد، ص ۲۷۹: «محمدصادق اطوار الخراسانی (ق ۱۳-ق ۱۳)».

برخی دیگر از موارد تکرار به این شرح است:

۱-۱۲. ج ۲، ص ۴۱۹: «عماد الحکیم الباقفی (ق ۱۱- ق ۱۲) محمد بن عبدالله المعروف بعماد الحکیم عمادالدین، ابوالخیر الباقفی...» و ج ۳، ص ۲۱۸: «میرزا عمادالدین الباقفی (ق ۱۱- بعد ۱۰۷۱) محمد حکیم بن عبدالله الباقفی، عمادالدین، ابوالخیر.»

۲-۱۲. ج ۲، ص ۴۰۷: «رشیدالدین محمد السپهری (ق ۱۰۷۶-۱۰۷۶) محمد بن صفی الدین الزواری الملقب بالسپهری، رشیدالدین...» و همان جلد، ص ۴۵۸: «الشیخ رشیدالدین محمد السپهری (ق ۱۱-ق ۱۱) محمد بن محمد (صفی الدین) المرشدی السپهری (کذا) الزواری، رشیدالدین...»

۱۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۵۴ تا ۱۵۶۲.
۱۳. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۶.

حسینی خاتون آبادی (ملقب به مدرّس) ناشی از اشتباهی است که در «امل الأمل» رخ داده و سپس در «طبقات اعلام الشيعة» تکرار گشته .

در جلد دوم امل الأمل ، چنین آمده :

«الامير الكبير السيد محمدرضا الحسيني . منشي الممالک ... له كتاب كشف الآيات ، عجيب و تفسير القرآن أكثر من ثلاثين مجلداً عربی و فارسی .»^{۱۷}

علامه خبیر ، میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء در تعلیقه امل الأمل به اشتباه صاحب امل ، توجه داده و نوشته است :

«هو من احفاد المحقق الخواجه نصير الدين الطوسي و ليس بسيد فالشيخ المؤلف قد غلط . ونسبه هكذا : محمدرضا بن عبدالحسين بن ادهم بن بهرام النصيري . (منشي الممالک) والساعة هو «واقعه نويس» ... (تفسير القرآن) سماه تفسير الأئمة لهداية الأئمة وهو ثمانية عشر مجلداً .»^{۱۸}

پس صاحب امل ، تنها در ذکر نام صحیح مؤلف تفسیر که ملقب به منشی الممالک یا واقعه نويس نیز می باشد ، دچار سهو گشته و وی را سید پنداشته ؛ ولی مرحوم علامه طهرانی در طبقات پس از نقل عبارت امل می نویسد :

«اقول كشف الآيات العجيب والتفسير الكبير كلاهما للميرزا محمدرضا بن عبدالحسين النصيري فعلم منشي الممالک هو ابي محمد مؤمن الحسيني الامامي .»^{۱۹}

چنانکه مشاهده می شود ایشان بدون هیچ دلیلی عبارت صاحب امل را تفکیک نموده و بخشی از آن (نسبت تفسیر به سید) را رد کرده و بخش دیگر (نسبت لقب به سید) را محتمل دانسته و سپس در جلد ۵ طبقات ، صریحاً میرزا رضا بن محمد مؤمن المدرس الامامی الخاتون آبادی را ملقب به منشی الممالک ذکر کرده ،^{۲۰} که صحیح نیست .^{۲۱}

۱۴ . همان ، ص ۴۳ .

۱۵ . همان ، ص ۴۴۶ ، با عنوان «سید محمدعلی بن محمد اسماعیل حسینی بیرجندی»

۱۶ . دانشمندان و بزرگان اصفهان ، ص ۲۰۵ .

۱۷ . امل الأمل ، ج ۲ ، ص ۲۷۲ .

۱۸ . تعلیقه امل الأمل ، ص ۲۷۱-۲۷۲ .

۱۹ . طبقات ، ج ۶ ، ص ۲۷۱ .

۲۰ . همان ، ج ۶ ، ص ۲۲۲ .

۲۱ . نگارنده چندین مجلد بسیار نفیس از تفسیر واقعه نويس را به همراه صدها نسخه خطی نفیس و بعضاً منحصر به فرد در کتابخانه ای وقتی در اصفهان مشاهده نموده که سال ها پیش توسط یکی از اساتید گرانقدر فهرست شده . به امید روزی که این گنجینه کم نظیر چهار صدساله ، از وضع رقت بار فعلی خارج و مورد استفاده قرار گیرد . (ان شاء الله)

۱۲-۳ . ج ۳ ، ص ۸۸ : «میر محمدباقر الرضوی (نحو ۱۱۴۰-۱۲ق) محمدباقر بن محمدتقی الحسینی الرضوی الاصفهانی القمی ...» و همان جلد ، ص ۹۰ «سید محمدباقر الشریف القمی (۱۲-بعد ۱۱۷۷)»

۱۲-۴ . ج ۳ ، ص ۱۲۶ : «السید محمدتقی الحسینی (ق ۱۲-ق ۱۳) ...» و همان جلد ، ص ۱۳۲ «السید محمدتقی القزوينی (...-۱۲۷۰)» .

۱۲-۵ . ج ۳ ، ص ۷۳ : «میر محمدباقر الخاتون آبادی (ق ۱۱-ق ۱۲) ... له ترجمة الاناجيل الاربعة» و همان جلد ، ص ۸۷ : «میر محمدباقر الخاتون آبادی (ق ۱۱-۱۱۲۷) ... مترجم فی الکواکب المنتشرة ص ۸۷ ...» که در منبع نامبرده ترجمه اناجیل اربعه برای مترجم ذکر شده .

۱۲-۶ . ج ۳ ، ص ۳۹ : «المولی محمد ابراهيم القزوينی (ق ۱۳-۱۲۶۱) ...» و همان جلد ، ص ۵۰ : «الشيخ محمد ابراهيم القزوينی (ق ۱۳-۱۳) ...» که در هر دو مورد به شاگردی مترجم نزد مرحوم سید حجة الاسلام شفتی اشاره شده . مترجم از اعظم علمای اصفهان بوده است .^{۱۴}

۱۲-۷ . ج ۳ ، ص ۳۰۸ : «میرزا محمدعلی القائنی (ق ۱۳-ق ۱۳) ...» و همان جلد ، ص ۳۲۷ «السید میرزا محمدعلی القائنی (ق ۱۳-۱۳۰۵) ...» با اشاره به مقام بلند وی در علم ریاضیات و نجوم ، در هر دو جا .^{۱۵}

۱۲-۸ . ج ۳ ، ص ۳۱۵ : «المولی محمدعلی النوری (ق ۱۳-ق ۱۴) ... له نخبة الاصول» و همان جلد ، ص ۳۲۸ : «المولی محمدعلی النوری (ق ۱۳-بعد ۱۲۳۷) ... له نخبة الاصول» وی «حاج ملا محمدعلی ، عالم فاضل حکیم عارف فقیه ... در ۲۲ ذی قعدة الحرام سال ۱۲۵۳ وفات یافته در صحن تکیه بابا رکن الدین مدفون گردید .»^{۱۶}

عناوین مکرر دیگری نیز در کتاب یافت می شود که به همین اکتفا می گردد .

۱۳ . ج ۳ ، ص ۲۳۴ : «میرزا محمدرضا النصیری ... لقب صاحب الترجمة نفسه بـ «منشي الممالک» ... وهذا لاينافي كونه وميرزا رضا الامامی الخاتون آبادی كلاهما يلقبان بهذا اللقب ...» . لقب منشي الممالک ، متعلق به مفسر کبیر میرزا محمدرضا نصیری طوسی بوده و نسبت آن به مرحوم سید محمدرضا

۱۴. ج ۳، ص ۲۳: «صدرالدین محمد الحسینی (...)
محمد بن محمد نصیر الحسینی صدرالدین فقیه جامع له تفسیر
سورة الاخلاص». وی میر صدرالدین محمد بن سید نصیر بن
میر محمد صالح اردکانی یزدی (جد سادات مدرسی یزدی)
متوفای ۱۱۵۴ هـ است. ۲۲

تفسیر مورد اشاره «عین الحقیقه» نام دارد که سال ها قبل
همراه رساله دیگر مترجم به نام «لسان الصدق در تفسیر سورة
دهر و قدر» با تصحیح حفید وی، حضرت آیه الله سید جواد
مدرسی یزدی، ضمیمه کتاب «بینش غرض آفرینش» از تألیفات
علامه فاضل هندی (ره) چاپ شده است.

۱۵. ج ۳، ص ۳۸۲: «محمد مفید البحرانی (ق ۱۱-۱۲)
محمد مفید بن الحسین (الحسن) البحرانی. و همان جلد،
ص ۴۷۲: «الشیخ المفید البحرانی (ق ۱۲-۱۲) مفید بن
الحسن البحرانی الشیرازی مذکور فی «الکواکب المنتشرة»
ص ۷۳۴...». مؤلف در ذیل عنوان اول از فرزند مترجم به
«شیخ عبدالغنی شیرازی» تعبیر کرده و در عنوان دوم، «شیخ
عبدالنبی شیرازی»، که دومی صحیح است. نام پدر علامه مفید
شیرازی (متوفای حدود ۱۱۵۰) نیز به نوشته فارسنامه ناصری و
ریحانة الادب، ۲۳ «شیخ حسین» است و ضبط «حسن» در کتاب
و نیز در «الکواکب المنتشرة» غلط است.

نام شیخ مفید شیرازی دوبار دیگر نیز در جلد دوم، ذکر شده
است؛ به این شرح:

ج ۲، ص ۳۴۳: «محمد الشیرازی الغروی المفید (ق ۱۱-۱۲)».
و همان جلد، ص ۳۴۹: «محمد المفید (ق ۱۲-۱۲)»...
عالم فاضل ادیب شاعر... و استبعد ان یكون هو محمد
الشیرازی الملقب بالمفید السابق ذکرة» که دلیل استبعاد مؤلف
محترم، معلوم نشد و محمد شیرازی غروی مفید (استاد شیخ
بلاغی) به فرموده صاحب «الکواکب المنتشرة» احتمالاً همان
شیخ محمد مفید بحرانی شیرازی است. در این صورت مؤلف
همچون موارد قبلی، شخص واحدی را چهار مرتبه عنوان نموده
و متعدد پنداشته است.

۱۶. برخی دیگر از تصحیفات اسامی از این قرار است:

۱-۱۶. ج ۱، ص ۱۹۵: آقا احمد مازندرانی بیدآبادی. (آقا محمد)

۲-۱۶. همان جلد، ص ۳۱۳: السید الامیر حسین بن علی

الحسینی. (سید حسن)

۳-۱۶. ج ۳، ص ۱۳۱: حاج محمد جعفر اردوبادی. (حاج

محمد جعفر آبا ده ای)

۴-۱۶. همان جلد، ص ۱۳۱ و ۱۳۲: سید جعفر بن صدرالدین

عاملی. (سید ابو جعفر)

۱۶-۵. همان جلد، ص ۳۴۲: «امام العزرا» ابطی. (ختام الغرر)
۱۶-۶. همان جلد، ص ۲۹: روضات حظوظ الايام در
اینجا دو کتاب «الروضات» و «حظوظ الايام» یکی محسوب
شده اند.

۱۷. ج ۱، ص ۲۰۹: در ضمن کتبی که توسط مرحوم
محدث ارموی تصحیح و تحقیق شده، کتاب «فیض الاله» ذکر
شده که باید گفت کتاب «فیض الاله فی ترجمة قاضی نورالله» از
تألیفات خود مرحوم محدث است که با کتاب «الصورام
المهرقه» علامه قاضی نورالله تستری، تحقیق محدث ارموی،
چاپ شده است.

در همان جلد، ص ۲۱۸، ضمن عنوان آیه الله سید جواد
قمی آمده: «صرح بان اسمه الحقیقی «محمد تقی»... و اضاف
الی القابه «الطاهری» و لانعلم وجهه.»

تلقب ایشان به «طاهری» به اعتبار جد مادری وی مرحوم
شیخ الاسلام ملا محمد طاهر قمی صاحب «تحفة الاخیار» است.

۱۸. ج ۱، ص ۸۳: «میرزا ابوالقاسم الاصبهانی (ق ۱۳-
ق ۱۴) ابوالقاسم بن محمد جعفر النائینی الاصبهانی... فاضل
لعله مشتغلاً بالطب. له تحفة الناصریه آلفه سنة ۱۲۷۶». کتاب
«تحفة الناصریه» در فنون ادب که منتخبی از اشعار عرب با
ترجمه آنهاست، در سال ۱۲۷۸ هـ چاپ سنگی شده و در آنجا
مؤلف خود را «ابوالقاسم بن الحاج محمد ابراهیم الرشتی
المعروف باصفهانی» معرفی کرده است.

مرحوم مهدوی نیز در تذکره خویش میرزا ابوالقاسم بن
محمد ابراهیم رشتی اصفهانی را عنوان کرده و می نویسد: «عالم
فاضل ادیب محقق مؤلف کتاب تحفة الناصریه...» ۲۴

هم ایشان در جایی دیگر از کتاب خود می نویسد: «ابوالقاسم
نائینی اصفهانی از اطباء و پزشکان و مؤلفین بوده و از آثارش
کتابی است در معرفت اقسام تب. ۲۵»

از آنجا که مؤلف مستندات مطالب خویش را متذکر

۲۲. ر. ک: آئینه دانشوران، ص ۷۲۳-۷۳۴.

۲۳. ریحانه الادب، ج ۵، ص ۳۵۹ و ر. ک: میراث حدیث شیمه، دفتر سوم،
ص ۴۱-۳۴.

۲۴. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۸۹.

۲۵. همان، ص ۸۶.

شیخ الشریعة الاصفهانی ایام اشتغاله فی اصفهان فی حدود سنه ۱۲۹۰ هـ و سمعته یكثر الثناء علیه. با توجه به سخن علامه گزی، معلوم می شود وی همان ملا محمد صادق پیکانی بوده و پیکان به تنکابن تصحیف شده و لذا تعدد عنوان تنکابنی و پیکانی در برخی کتب، مانند تذکره مرحوم مهدوی صحیح نیست.

۲۱-۲. ج ۳، ص ۹۰: «محمدباقر بن محمدتقی بن محمدباقر بن محمدتقی الاصبهانی. ملک مجموعه...» مالک مجموعه، کسی جز دانشمند شهیر و شاعر و ادیب فقیه محمدباقر الفت (۱۳۰۱-۱۳۸۴) نیست.

۲۱-۳. ج ۳، ص ۷۱: «المولی محمدباقر المازندرانی (ق ۱۲-۱۲) ق ۱۲) تتلمذ علی الشیخ محمد بن محمد زمان الکاشانی...» وی آقا محمدباقر هزارجریبی مازندرانی (م ۱۲۰۵) از اعظام علما و فقهای شیعه، ساکن در کربلا و استاد میرزای قمی و شیخ روایت علامه بحر العلوم است.^{۲۸}

۲۱-۴. ج ۳، ص ۲۹۳: «الشیخ محمدصالح المازندرانی (ق ۱۳-بعد ۱۲۸۰)».

وی مولی محمدصالح جوباره ای از احفاد مولی محمد سراب تنکابنی، ساکن اصفهان و از اکابر علما و فقهای آن سامان است که به سال ۱۲۸۵ ق وفات کرده است.

۲۱-۵. ج ۲، ص ۷۹: «عبدالغفار الاصبهانی (ق ۱۳-ق ۱۳)» وی میرزا عبدالغفار خان نجم الدوله (۱۲۵۹-۱۳۲۶) از ریاضیدانان نامی کشور و مدرس دارالفنون بوده که تألیفات فراوانی از او به یادگار مانده است.^{۲۹}

۲۱-۶. ج ۲، ص ۴۶: «الشیخ عبدالرزاق الاصبهانی (ق ۱۴-ق ۱۴) ... لعلّه یقیم بکربلا...» صاحب عنوان، میرزا عبدالرزاق محدث حائری همدانی (۱۲۹۱-۱۳۸۳) ساکن همدان و از مشاهیر علمای آن سامان بوده است. شرح حال و اسامی حدود شصت عنوان از تألیفات او در مقدمه کتاب بررسی پیرامون مواکب حسینیّه آمده است.

۲۱-۷. ج ۱، ص ۳۶۸: «ملا زین الدین الخواتساری (ق ۱۲-ق ۱۲)».

فقیه محدث معروف زین الدین بن عین علی خوانساری از فضلالی او آخر صفویه بوده و وفاتش ظاهراً در سال ۱۱۶۷ می باشد.^{۳۰}

۲۶. همان، ص ۲۵۳.

۲۷. همان، ص ۳۳۹.

۲۸. نقیه البشر، ص ۱۷۴.

۲۹. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱۵.

۳۰. برای شرح حال وی ر. ک: فحاحات الروضات، ص ۴۷۴-۴۷۵.

نشده اند، معلوم نیست که ابوالقاسم نائینی هم کتابی به نام «تحفة الناصریه» داشته و یا مانند موارد قبل، دو شخصیت همنام را یکی پنداشته اند.

۱۹. ج ۳، ص ۱۶۷: «الشیخ محمدحسن الیزدی (...). محمدحسن بن ابراهیم الیزدی الاصبهانی» وی «فاضل جلیل و خطیب ادیب... مؤلف کتابی است در تاریخ غزوات حضرت امیرالمؤمنین (ع)... در ۱۷ محرم الحرام سال ۱۲۸۶ وفات یافته. ۲۶» کتاب مورد اشاره سیف الواظظین والذاکرین نام دارد که یکبار چاپ سنگی شده و اخیراً نیز با تغییراتی چاپ جدید شده است.

۲۰. ج ۲، ص ۴۷۲: «السید رضی الدین محمد الشیرازی (ق ۱۱-ق ۱۲) ... له تفسیر القرآن الکریم.» مفسر مزبور «عالم فاضل محقق جلیل القدر عظیم المنزله زاهد متقی از مدرسین و محدثین و ائمه جماعت اصفهان بوده و در روز جمعه ۵ ربیع الثانی ۱۱۱۳ وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص به نام «تکیه آقارضی» مدفون گردیده [و] قبرش از قبور مورد توجه عموم می باشد.»^{۲۷}

مؤلف در ج ۱، ص ۱۱۴، از اجازه روایتی سید رضی الدین محمد بن محمدتقی الموسوی الشیرازی در سال ۱۱۰۶ هـ یاد نموده که با شخصیت مورد اشاره، یکی است.

گفتنی است که تفسیر مورد اشاره، نور الانوار و مصباح الاسرار نام دارد که نگارنده با فحص فراوان، نشانی مجلدات مختلف آن را (شامل یکدوره کامل تفسیر قرآن در فهرس چاپی شناسایی کرده که معرفی آن مجال دیگری می طلبد.

۲۱. برخی دیگر از مشاهیر علما که در این کتاب به گونه ای ناقص معرفی و ناشناخته قلمداد شده اند، به این شرح است:

۲۱-۱. ج ۳، ص ۲۷۷: «المولی محمدصادق البیکانی (ق ۱۳-ق ۱۳)»

وی ملا محمدصادق پیکانی (منسوب به قریه پیکان جرقویه) از افاضل شاگردان شیخ انصاری (ره) است که مرحوم علامه گزی در تذکره خود از او یاد کرده است.

گفتنی است که در «الکرام البررة» ص ۶۲۹، از «شیخ محمدصادق تنکابنی» نام برده شده و درباره او آمده: «کان من رجال الدین المشاهیر فی اصفهان و من علمائها الاجلاء و هو من خیرة تلامذة العلامة الانصاری و اوائلهم. قرأ علیه شیخنا العلامة

گفتنی است که در کتاب اختران فروزان خوانسار قبر شیخ زین الدین خوانساری را در خوانسار نشان داده که در چند دهه قبل مرمت و بازسازی شده، ولی چون مرحوم مهدوی در کتب خویش قبر وی را در مقبره آب بخشان اصفهان نوشته، نویسنده اختران فروزان، قائل به وجود دو شخصیت همنام شده که یکی در اصفهان و دیگری در خوانسار مدفون می‌باشند.^{۳۱}

این در حالی است که به نوشته مرحوم سید احمد روضاتی در مقدمه مناقب الفضلاء، شیخ زین الدین مزبور، وجود قبر وی در اصفهان قطعی نبوده و تنها براساس ظنیات بیان شده.^{۳۲}

۸-۲۱. ج ۱، ص ۲۵۷: «السید حسن الکاظمی (ق ۱۳-۱۴) حسن بن محمد الموسوی الکاظمی». وی سید حسن کاشی واعظ معروف اصفهان که در قدرت بیان کم نظیر بوده و به سبب نگاشتن کتابی در تفسیر آیه اولوالامر به دستور ظل السلطان و تفسیر آن به حکام، توسط برخی از مجتهدین بزرگ تکفیر شده ... در سال ۱۳۲۰ وفات یافت.^{۳۳}

۹-۲۱. ج ۲، ص ۲۶: «الشیخ عبدالحسین المحلاتی (ق ۱۳-۱۴) ق ۱۴) ... عالم مکرر نشیط استنسخ بخطه الجید کثیراً من الکتب لفقره ...»

عالم یاد شده که تنها به نشاط و خط جید و فقر او اشاره شده، صاحب کتاب «مغتنم الدرر» متولد ۱۲۷۰ در محلات، شاگرد میرزا حبیب الله رشتی در نجف و متوفای روز جمعه ۲۲ ذی الحجه ۱۳۲۳ ق در اصفهان است. مرحوم مهدوی ۲۶ عنوان از تألیفات او را یاد کرده^{۳۴} و مرحوم علامه گزی و علامه طهرانی شرح حال او را آورده اند. مرحوم طهرانی می‌نویسد: «عالم کبیر من اجلة العلماء وفاضل الفقهاء واهل الورع والدين والتقوى، ضم الى مكانته العلمية السامية، القدسية والصلاح. فقد كان من رجال الله الابرار الاصفیاء». ^{۳۵}

۱۰-۲۱. ج ۱، ص ۱۷۸: «المولی آقا بابا شیرازی (ق ۱۲-۱۳) ...» با توجه به اوصافی چون «المرشد الكامل» و «قرة عیون العارفین» که در ذیل نام او ذکر شده، معلوم می‌شود که صاحب عنوان، عارف شهیر میرزا ابوالقاسم راز شیرازی معروف به «میرزا بابا» از اقطاب سلسله ذهبیه، متوفای سال ۱۲۸۶ هـ است.^{۳۶}

به جهت طولانی شدن مقاله از ذکر موارد فراوان دیگری که در کتاب به چشم آمده و یادداشت شده بود، صرف نظر می‌کنیم. ۲۲. در برخی از اشعار فارسی کتاب، اغلاطی راه یافته که وزن اشعار را مختل کرده است. شاید قضاوت های مؤلف در مورد ضعف ادبی اشعار برخی از رجال کتاب، ناشی از عدم ضبط صحیح آنهاست. به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱-۲۲. ج ۱، ص ۳۷:

امیدم نیست غیر عفت چو دانم
که وهابی و ستاری و غفار

که ظاهر آ چنین بوده: «امیدم نیست جز عفت چو دانم».

۲-۲۲. ج ۱، ص ۷۸:

رفتی خیالت ماند در دل

چنان کز کاروان آتش به منزل

که باید چنین باشد: «تو رفتی و خیالت ماند در دل».

۳-۲۲. ج ۱، ص ۹۷:

برهروان محبت دهید تسلیتی

که می رسد ز در دولت بیک موهبتی

که صحیح آن این است: «که می رسد ز در دست بیک موهبتی».

۴-۲۲. ج ۱، ص ۷۹:

ز چه رو شور فتاد است به عالم بکر

وز چه ره گشته چنین مرغ فرح سوخته پر

که ظاهر آ چنین بوده: «ز چه رو شور فتاده است به عالم یکسر».

۵-۲۲. ج ۳، ص ۱۷۶:

ابن زیاد گفت که کمتر از زینم

خنجر برای آل محمد نمی زینم

هماز در غوایت و مشاء با نمیم

حلاف و معتد و عتل و هم زینم

۶-۲۲. ج ۲، ص ۲۱۳:

تورا از این چه که گویند کلام که بود

اگر کلام نکو گفته شد تو نیک پذیر

۷-۲۲. ج ۱، ص ۱۵:

آغشته بخون چه داند اندر نارم

صحیح آن چنین است: «آغشته به خون چو دانه اندر نارم».

در پایان ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر برای مؤلف

محترم حضرت حجة الاسلام والمسلمین اشکوری توفیق

ایشان را در ارائه سایر مجلدات این اثر نفیس از خداوند متعال

خواستاریم.



۳۱. اختران فروزان خوانسار، ص ۱۶۵.

۳۲. ر. ک: نفعات الروضات، ص ۴۷۶.

۳۳. ر. ک: فهرست کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۹.

۳۴. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۰۹.

۳۵. نقیب البشر، ص ۱۰۵۶.

۳۶. دانشمندان و بزرگان، ص ۱۰۳-۱۰۴.